

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

نهادگرایی؛ اقتصاد کنش جمعی

واقع گرایی اقتصادی مبتنی بر بنیان های حقوقی

(دریچه ای بر اندیشه های شگرف کامونز بنیانگذار مکتب نهادی)

تألیف و ترجمه:

محمود متوسلی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

محبوبه وهابی ابیان

دکتری کارآفرینی دانشگاه تهران

فهرست اجمالی

۱۱.....	سخن ناشر
۱۳.....	پیشگفتار
۱۹.....	کتاب اول: پیش درآمدی بر مکتب نهادی و اندیشه های شگرف کامونز
۲۱.....	جستار اول: آشنایی با کامونز و اندیشه نهادی
۷۱.....	جستار دوم: مروری بر دیدگاه کامونز در فصول مختلف کتاب
۱۴۱.....	جستار سوم: منتخبی از اقتصاددانان دگراندیش متأثر از کامونز (برندگان جایزه نوبل)
۱۷۱.....	کتاب دوم: اقتصاد کنش جمعی
۱۷۳.....	بخش اول: فعالیت اقتصادی
۲۴۵.....	بخش دوم: فروض ساده شده
۲۹۵.....	بخش سوم: نسبیّت ها
۳۹۷.....	بخش چهارم: تدبیر و اداره عمومی در حوزه اقتصادی
۵۰۵.....	نمایه

فهرست تفصیلی

۱۱.....	سخن ناشر
۱۳.....	پیشگفتار
۱۹.....	کتاب اول: پیش درآمدی بر مکتب نهادی و اندیشه های شگرف کامونز
۲۱.....	جستار اول: آشنایی با کامونز و اندیشه نهادی
۲۳.....	بخش اول: نهادگرایی گامی در تطور و تکامل مکاتب اقتصادی
۳۳.....	بخش دوم: کامونز و زندگی علمی و مبارزاتی اش
۴۳.....	بخش سوم: کامونز از پیشگامان توسعه در آمریکا
۶۱.....	بخش چهارم: کامونز در آخرین اثرش
۷۱.....	جستار دوم: مروری بر دیدگاه کامونز در فصول مختلف کتاب
۷۳.....	بخش اول: فعالیت اقتصادی
۷۳.....	فصل اول: کنش جمعی
۷۵.....	فصل دوم: کنش فردی
۷۷.....	فصل سوم: مبادلات
۸۰.....	فصل چهارم: سرمایه داری
۸۷.....	بخش دوم: فروض ساده شده
۸۷.....	فصل پنجم: حاکمیت و اقتدار

فصل ششم: کمیابی	۹۰
فصل هفتم: کارایی	۹۵
فصل هشتم: نگاه به آینده	۹۸
فصل نهم: سنت و عرف	۱۰۶
بخش سوم: نسبت‌ها	۱۰۹
فصل دهم: روش‌های تحقیق	۱۰۹
فصل یازدهم: ارزش‌گذاری	۱۱۵
فصل دوازدهم: مدیریت و تدبیر امور	۱۱۸
فصل سیزدهم: توافقات و محدودیت‌ها	۱۲۴
بخش چهارم: تدبیر و اداره عمومی در حوزه اقتصادی	۱۲۹
فصل چهاردهم: تدبیر و اداره امور کشاورزی	۱۲۹
فصل پانزدهم: تدبیر امور اعتباری	۱۳۳
فصل شانزدهم: اداره و تدبیر امور کار و سرمایه	۱۳۶
جستار سوم: منتخبی از اقتصاددانان دگراندیش متأثر از کامونز (برندگان جایزه نوبل)	۱۴۱
مقدمه	۱۴۳
رونالد هری کوز	۱۴۴
اولیور ویلیامسون	۱۴۸
داگلاس سی نورث	۱۵۰
هربرت سایمون	۱۵۴
گونار میردال	۱۵۷
الینور استروم	۱۶۲
منابع	۱۶۸

۱۷۱.....	کتاب دوم: اقتصاد کنش جمعی
۱۷۳.....	بخش اول: فعالیت اقتصادی
۱۷۵.....	مقدمه
۱۷۷.....	فصل اول: کنش جمعی
۱۹۴.....	فصل دوم: کنش فردی
۲۰۵.....	فصل سوم: مبادلات
۲۲۴.....	فصل چهارم: سرمایه‌داری
۲۴۳.....	خلاصه بخش اول
۲۴۵.....	بخش دوم: فروض ساده شده
۲۴۷.....	مقدمه
۲۴۷.....	فصل پنجم: حاکمیت
۲۶۴.....	فصل ششم: کمیابی
۲۷۵.....	فصل هفتم: کارایی
۲۸۲.....	فصل هشتم: نگاه به آینده
۲۸۹.....	فصل نهم: سنت و عرف‌ها
۲۹۱.....	خلاصه بخش دوم
۲۹۵.....	بخش سوم: نسبیّت‌ها
۲۹۷.....	مقدمه
۳۰۰.....	فصل دهم: روش‌های تحقیق
۳۰۰.....	۱. وجوه افتراق و اشتراک
۳۰۶.....	۲. قواعد کاری
۳۱۱.....	۳. ارتباطات جزء - کل
۳۲۳.....	۴. توسعه تاریخی
۳۳۰.....	فصل یازدهم: ارزش‌گذاری

۳۳۰.....	نظریه ارزش اقتصاددانان
۳۵۸.....	فصل دوازدهم: راهبرد مدیریت و اداره امور
۳۵۸.....	۱. درجات قدرت
۳۶۱.....	۲. سرعت گردش مبادلات
۳۶۵.....	۳. تناسب زمانی کنش
۳۷۲.....	فصل سیزدهم: توافقات و محدودیت‌ها
۳۷۲.....	۱. قابلیت اندازه‌گیری
۳۷۸.....	۲. موضوعیت و مناسبت داشتن
۳۹۱.....	۳. معادله شخصی
۳۹۴.....	خلاصه بخش سوم
۳۹۷.....	بخش چهارم: تدبیر و اداره عمومی در حوزه اقتصادی
۳۹۹.....	فصل چهاردهم: تدبیر و اداره امور کشاورزی
۳۹۹.....	۱. از کنش فردی به مبادلات
۴۰۳.....	۲. از کنش اقتصادی به کنش سیاسی
۴۰۵.....	۳. استدلال اجرایی و قانون‌گذاری
۴۳۷.....	فصل پانزدهم: تدبیر امور اعتباری
۴۳۷.....	۱. مبادلات اعتباری
۴۴۰.....	۲. واحد یا مقیاس محاسبات
۴۴۶.....	۳. عوامل کنترل اجرایی
۴۴۶.....	۳-۱. حساب یکسان بین‌المللی
۴۴۸.....	۳-۲. نرخ تنزیل
۴۵۰.....	۳-۳. عملیات بازار آزاد
۴۵۲.....	۳-۴. ذخایر بخشی
۴۵۷.....	۳-۵. اعتماد سیاسی

فهرست مطالب □ ۹

۴۶۱.....	۳-۶. ابزارهای کنترل ارزش
۴۶۵.....	فصل شانزدهم: اراده و تدبیر امور سرمایه - نیروی کار
۴۶۵.....	۱. گذار از دولت منطقه‌ای به دولت اقتصادی
۴۷۰.....	۲. گذار از جنگ طبقاتی به دولت مبتنی بر قانون اساسی (مشروطه)
۴۷۵.....	۳. فرایند تدبیر امور اجرایی (اداری)
۴۸۳.....	۴. همکاری تدبیر امور بخش عمومی و خصوصی
۴۹۲.....	خلاصه بخش چهارم
۴۹۵.....	فصل هفدهم: ملاحظات و نتیجه‌گیری
۵۰۵.....	نمایه

فهرست جدول‌ها

جدول ۱: مقایسه انواع مبادلات	۷۸
جدول ۲: تقسیم‌بندی درجات قدرت	۸۹
جدول ۳: تقسیم‌بندی معانی نیروی کار	۹۶
جدول ۴: نقطه‌نظرات درباره زمان حال	۱۰۴
جدول ۵: چارچوب مبادلات	۲۲۳

فهرست شکل‌ها

شکل ۱: مدل مبادله در بازار	۶۵
شکل ۲: فرایند شکل‌گیری قواعد کاری و رسیدن به اصول قانونی	۱۱۲
شکل ۳: اقتصاد نهادی تلفیقی از آزادی و برابری همراه با قانون و نظم	۱۱۴
شکل ۴: تقابل قانونمندی و فقدان قانون در بهره‌جویی از سهم اقتصادی	۱۲۱

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در

شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت.
(ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

اندیشه مکتب نهادی در روند تطوّر و تکامل مکاتب اقتصادی با پیشینه مکتب تاریخی آلمان و با تغییر یکی از انگاره‌های مهم اقتصاد مرسوم یعنی فردگرایی به جمع‌گرایی توسط وبلن، زاده شد. جان. آر. کامونز به‌عنوان یکی از مؤثرترین اندیشمندان در تاریخ اندیشه نهادی توانست با خلق مفاهیم جدید در اقتصاد بر پایه بنیان‌های حقوقی و آمیخته کردن^۱ این مفاهیم در یک منظومه فکری بر اساس اصول سه‌گانه اخلاقی چون عدالت، آزادی و مساوات، نظامی منسجم و عملیاتی^۲ را پایه‌گذاری نماید که تأکید آن بر اراده آزاد انسانی به جای نیروهای طبیعی در تعاملات و مبادلات اقتصادی است.

اقتصاد نهادی، اقتصاد واقع‌گرایی و اقتصاد آینده‌نگری در مقابل اقتصاد قیاسی، تجربیدی و منفک از جهان واقع مکتب مرسوم نامیده می‌شود؛ دلیل این مدعا آنست که کامونز بر خلاف پیشگامان سایر مکاتب، با درک مسائل و مشکلات مبتلابه جامعه نظیر فقر، استثمار کارگران توسط کارفرمایان و نادیده گرفته شدن شأن انسانی آن‌ها قدم به عرصه مبارزه نهاد و تمام آرمان خود را فراهم نمودن زمینه برای ایجاد نوعی وحدت و روح مشترک در بین اقشار مختلف جامعه اعم از کارگر، کارفرما، کشاورز، صاحب زمین، سیاستمدار و مردم عادی قرار داد. در نهایت بیش از نیم قرن زندگی علمی و مبارزاتی او منجر به اصلاح سیستم غالب کاپیتالیسم با تغییر در قوانین و مقررات و ایجاد نوعی برابری نسبی در قدرت شد به‌گونه‌ای که در اواخر عمر خویش شاهد این تغییرهای بنیانی بود.

-
1. Synthesize
 2. Coherent and practical system

طرح ترجمه کتاب «اقتصاد کنش جمعی»^۱ که به اندیشه‌های شگرف کامونز در آخرین اثرش پرداخته است، نقطه عطف بزرگ و مهمی در پیر کردن خلأ موجود در اندیشه‌های مکتوب این اندیشمند مؤثر نهادی به زبان فارسی در جامعه دانشگاهی ایران است. با توجه به تجربه تدریس این کتاب در دوره‌های مختلف دکتری و نشست‌های هماندیشی با اساتید در دو سال گذشته، این نتیجه حاصل شد که تنها ترجمه کتاب درک مفاهیم عمیق آن را امکان‌پذیر نخواهد ساخت و مهم‌تر آنکه بهره‌برداری از بینش‌های سازنده کامونز برای تحقیق‌های آینده و ارائه توصیه‌های سیاستی برای کشور نیازمند درک کلام دشوار او در نوشته‌هایش است. همان‌گونه که خود در مقدمه کتاب اقتصاد نهادی‌اش (۱۹۳۴) می‌نویسد: «نقدی که توسط مخاطبان و دانشجویانم در خصوص کتاب بنیان‌های حقوقی سرمایه‌داری^۲ و پیش‌نویس‌های کتاب اقتصاد نهادی صورت گرفته است آن است که آنان موفق به فهم نظریه‌های من و آنچه من از آن‌ها استنتاج کرده‌ام، نشده‌اند و این نظریه‌ها آنچنان معطوف به شخص من بوده است که احتمالاً هیچ‌کس قادر به فهم آن‌ها نیست». همچنین رامستاد (۱۹۸۶) می‌گوید: «برای فهم صحیح معنای جزء - کل^۳ در هر بخش از افکار کامونز، باید ابتدا کل چارچوب او را درک نمود».

بر این اساس، کتاب حاضر مشتمل بر دو بخش تألیف و ترجمه است. در بخش تألیفی که با عنوان «پیش‌درآمدی بر مکتب نهادی و اندیشه‌های شگرف کامونز» تدوین شده است، ابتدا در پاسخ به این پرسش که چرا نهادگرایی؟ به بیان پیشینه‌ای از اندیشه‌ها و بینش‌های مهم مکتب نهادی پرداخته شده است. در نخستین قسمت از این بخش، عمده توجه منوط به فهم عمیق از نهادها و نقش آن‌ها در ایجاد نظم و آرامش در جامعه است. جامعه‌ای که در آن عزم ملّی برای توسعه و استقلال اقتصادی، رفاه عمومی، اقتدار و قاعده‌گذاری به جای قاعده‌پذیری در نظام کنونی حاکم بر جهان وجود دارد. جامعه‌ای که در آن پیش‌فرض ذهنی اندیشمندان، محققان و مخترعان تنها کسب جایگاه علمی مؤثر در سطح ملّی، منطقه‌ای و جهانی به‌عنوان یک وظیفه حرفه‌ای و اجتماعی است. جامعه‌ای که محققین آن با درک ریشه‌های درد، راه درمان را در اندیشه‌پردازی و الزام برای شکل‌گیری

1. The Economics of Collective Action (1950)
2. The Legal Foundations of Capitalism
3. Part-whole

مکتبی دیگر می‌بینند؛ مکتبی که با در نظر گرفتن اقتضائات و شرایط محیطی بتواند در دیگر مکاتب اقتصادی خلأ مربوط به نادیده گرفته شدن جایگاه و کرامت واقعی انسانی و اصول فطری وجودی او را ببیند و اندیشه‌های ناول، خلاق و سازنده را در یک فرایند تکاملی به منظور اصلاح بنیانی سیستم معیوب حاکم به کار گیرد و به جای پرداختن سطحی به خروجی‌های سیستم یعنی فقر، نابرابری، کاهش قدرت خرید و تضعیف قدرت پول ملی (که در واقع پیامدی جز شکسته شدن شخصیت و تنزل جایگاه کشور و مردم در صحنه ملی و بین‌المللی ندارد) بتواند به ریشه‌های بنیانی علل شکل‌گیری آن‌ها بپردازد و در عوض پیشنهاد مقدر ناچیز یارانه به مردم برای أخذ آرای جمعی به ترمیم ریشه‌های سیستم بپردازد و با وضع قوانین و مقررات مناسب و انگیزش‌دهنده زمینه‌های تولید را در سطح ملی فراهم آورده و با رفع موانع و پشتیبانی واقعی از تولیدکنندگان در مقابل رقیب‌های سرسخت منطقه‌ای و بین‌المللی، بتواند آینده‌ای امیدوارکننده در مقابل میلیون‌ها جوان و استعداد‌های بی‌نظیر این مرز و بوم قرار دهد.

با پرداختن به زندگی علمی و مبارزاتی کامونز در بخش بعدی، می‌توان درس‌های بسیاری را از تلاش‌های سخت اما خستگی‌ناپذیر او آموخت. تلاش‌هایی که تنها یک بخش آن کار ۱۲ ساعته روزانه در تمام طول هفته در یک مؤسسه انتشاراتی برای دریافت تنها ۱۵ دلار در هفته بود. برای کامونز اندیشه‌پردازی با یک مهندسی معکوس آغاز می‌شود. بنابر آنچه کارکرد ذهن نام دارد و از فلسفه ذهن می‌دانیم می‌توان گفت: آنچه را که او به صورت حسی و تجربی در ذهن عمیق و پرسش‌گر خود ادراک می‌کند با استمداد از قوه فاهمه و قوه تخیل بالا به مفاهیمی مبدل می‌سازد که قبلاً در اندیشه‌های اقتصادی و مکاتب پیشین نظیر آن وجود نداشته است. در گام بعدی با ترکیب و تلفیق این مفاهیم و ساخت یافتن آن‌ها بر اساس اصول اخلاقی و آرمان‌های اجتماعی است که پایه‌ها و استحکامات تئوری اقتصادی او میسر می‌شود.

آنچه تا به اینجا از زندگی علمی و مبارزاتی کامونز آورده شد با نوشته‌های خانم سسلیا تیچی در فصل دوم از کتابش تحت عنوان «هفت نفری که توسعه آمریکا را رقم زده‌اند»، تکمیل می‌شود. این فصل از کتاب که با عنوان «جان آر کامونز: تحقیقات پیتسبرگ» نگارش

1. Tichi, C. (2009). Civic passions: Seven who launched progressive America (and what they teach us). Univ of North Carolina Press.

شده است به تلاش‌های کامونز و شیوه تحقیقات علمی وی در شهر پیتسبرگ اشاره دارد. با مطالعه این بخش به آثاری جاودانه از علیت مؤثر^۱ کامونز در جامعه آمریکا می‌توان دست یافت که وی را در مقام هفت نفر از بزرگان و پیشگامان اصلاحات اجتماعی - سیاسی در آمریکا قرار داده است.

به دلیل دشواری کلام کامونز در آثارش، بخش بعدی به تشریح مختصری از محتوی و مفاهیم کلیدی هر فصل اختصاص یافته است؛ تا برای خوانندگان کتاب دریچه‌ای به سوی درک عمیق مفاهیم و ورود به اندیشه‌های نهفته در مباحث علمی او، گشوده شود.

سرانجام در پایان این بخش از کتاب به بینش‌ها و دیدگاه‌های برندگان جایزه نوبل اقتصادی پرداخته شده است. بینش‌هایی که نه تنها اهمیت مطالعه، تفکر عمیق و استخراج دیدگاه‌های سازنده اما پنهان در مباحث کامونز را روشن می‌سازد، بلکه نقد و تحلیلی گسترده را برای خلق پارادایمی جدید از اندیشه‌های ایشان و سایر پیشگامان در مکتب نهادی قدیم و جدید فراهم می‌آورد.

با گذر از بخش تألیفی کتاب به عنوان دریچه‌ای برای ورود به اندیشه‌های عمیق کامونز، بخش دوم به ترجمه فصول هفده‌گانه کتاب «اقتصاد کنش جمعی» اختصاص یافته است. در ترجمه این اثر تلاش بر این بوده است تا متن اصلی در نهایت دقت و امانت به زبان فارسی برگردانده شود. در این راستا علی‌رغم شیوه نگارش بسیار سخت و سنگین کامونز و به کار بردن واژه‌ها و اصطلاحات خاص حقوقی و بعضاً نامأنوس، همواره دقت و رعایت امانت در ترجمه مقدم بر سلیس و روان بودن جملات بوده است. همان‌گونه که دیده می‌شود مؤلف اصلی، در هر فصل و صفحه‌ای از متن کتاب، مطلب و موضوع تازه و بدیعی را طرح و عنوان می‌کند و دیدگاه‌های خود را به شیوه‌ای که تنها مختص خود اوست به بحث و بررسی می‌کشاند. لذا در مواردی که لازم بوده است تا عبارات تکمیلی به منظور فهم بهتر متن کتاب افزوده شود، این کار به صورت پانویس صورت گرفته و در مواردی حتی عین عبارت، واژه، یا اصطلاح در زیرنویس متن ترجمه فارسی هر صفحه کتاب درج شده است. همچنین، اصل کلیدواژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی متن اصلی کتاب عیناً با گزینش و نظر مترجمان در پانویس هر صفحه از متن ترجمه درج شده است.

نیاز به یادآوری است که این کتاب از دیدگاه ما تنها الفبایی مفهومی از مکتب نهادی است و کتاب دیگری در دست تهیه است که در آن به تشریح مکتب نهادی با بیان اندیشه‌های پیشگامان و اندیشمندان مهم آن پرداخته خواهد شد و تلاش می‌شود تا با تشریح بنیان‌های حقوقی، متدلوژیک، اخلاقی و روان‌شناسی که شکل‌دهنده کمربند حفاظتی^۱ هر مکتبی است، مجموعه کامل و جامعی در این ارتباط تهیه و به جامعه علمی کشور تقدیم شود.

در پایان لازم است از زحمات کلیه کسانی که در تهیه کتاب حاضر ما را یاری کردند، تشکر شود. بی‌شک انتشار این کتاب نتیجه استقبال بی‌نظیر اساتید و دانشجویان از نشست‌های هم‌اندیشی در باب افکار کامونز است. از حمایت‌های آقای دکتر مصطفی سمیعی‌نسب در انتشار و چاپ این کتاب، آقای احسان گودرزی در برگردان برخی اصطلاحات و نیز زحمات دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در تهیه برخی از پیشنویس‌های ترجمه نظیر آقایان احراری و صبوری، تشکر می‌شود. در نهایت با قبول کلیه اشتباه‌های سهوی، پذیرای انتقادهای اساتید محترم و دانشجویان عزیز به‌منظور انجام اصلاحات احتمالی در چاپ‌های بعدی اثر هستیم.

محمود متوسلی
استاد دانشگاه تهران

محبوبه وهابی ایبانه
دکتری کارآفرینی دانشگاه تهران

کتاب اول:

پیش درآمدی بر مکتب نهادی و

اندیشه‌های شگرف کامونز

جستار اول:

آشنایی با کامونز و اندیشه نهادی

بخش اول:

نهادگرایی گامی در تطور و تکامل مکاتب اقتصادی

وبلن نهاد را عادات و قواعد^۱ می نامد. عادات و قواعدی در جریان که کنش انسانی را ساختار می بخشد. تنها همین گزاره می تواند فرض انتخاب عقلایی اقتصاد مرسوم را زیر سؤال برد. فرضی که بارها توسط اندیشمندان مختلف از جمله دانیل کاینمن^۲ و هربرت سایمون^۳ (از برندگان جایزه نوبل اقتصادی) زیر سؤال رفته است. فرضی که با تکرار آن نه تنها یک قطعیت مطلق و ناآگاهانه و غیرعمدی پایه و اساس تئوری ها و مدل های تجربی در اقتصاد قرار گرفت، بلکه کرسی رسمی دانشگاهی را در رشته اقتصاد، حداقل در یک قرن گذشته در سلطه خود قرار داد. این فرض عقلانیت مطلق به تدریج و با به کارگیری ابزارهایی نظیر ریاضیات، اقتصاددانان را از نگاه واقع بینانه به جهان و مسائل جامعه دور نمود. درحالی که پایه های نهادگرایی بر اصولی همچون روان شناسی، مردم شناسی، جامعه شناسی و سایر شیوه های تحقیق به منظور درک رفتار انسانی استوار شد.

در اقتصاد نهادی، نهادها نقشی اساسی در فراهم آوردن چارچوبی شناختی^۴ برای تفسیر اطلاعات و داده های آماری و زمینه سازی عادات فکری^۵ یا روتین ها به منظور ایجاد نظم ذهنی برای تبدیل اطلاعات به دانش مفید دارند. تأثیرگذاری نهادها بر سیستم شناختی

1. Habits and rules
2. Daniel Kahneman
3. Herbert A. Simon
4. Cognitive framing
5. Intellectual habits

افراد یک جامعه، ثبات و امنیت ویژه‌ای را در نظام‌های اقتصادی - اجتماعی موجب می‌شود؛ به گونه‌ای که افراد با خصیصه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی متفاوت در تعاملات خود به نوعی سازگاری و هارمونی دست می‌یابند؛ که تعبیر آن را می‌توان همان روح هادی و دست نامرئی^۱ آدام اسمیت در جامعه دانست.

به‌منظور پی بردن به ویژگی این نهادها که قادرند در جامعه ثبات در انتظارات، عشق و تعلق به جامعه‌پذیری و پویایی را تجلی دهند؛ نیازمند درک سرشت و ماهیت انسان و همچنین فرایند شکل‌گیری اجزاء در کلیت آن هستیم.

در خصوص اهمیت ساختارهای نهادی می‌توان گفت که تناسب این ساختار با فعالیت‌های مولد اقتصادی در اکثر کشورها به‌عنوان مبنایی برای مقایسه وضعیت اقتصادی آن‌ها و پیش‌بینی میزان توسعه‌یافتگی و پیشرفت آن‌ها تلقی می‌شود. وجود چنین ساختار نهادی همراه با حکمرانی خوب و ساختار انگیزشی مناسب عامل مهمی برای انسجام، وحدت، ثبات در انتظارات و ظهور و بروز خلاقیت‌ها است. بنابراین آنچه تعیین‌کننده میزان درجه توسعه‌یافتگی کشورها از منظر اقتصادی است، تناسب نهادهای موجود در آن کشور با محیط کسب و کار آن‌ها است.

نهادگرها اعتقاد بر پایداری و ماندگاری عادات^۲ و خودگردانی نهادها دارند. همه ما در جهانی از نهادها متولد شده‌ایم و این‌گونه جامعه‌پذیر می‌شویم. در یک جامعه زمانی ترتیبات نهادی^۳ و قوانین و مقررات محرک و مولد قابلیت اثرگذاری دارند که با تکرار به شکل عادت درآمده و به‌طور خودانگیخته و بدون تأمل، روتین رفتاری عاملین^۴ شود و درنهایت به‌صورت عرف در فرهنگ جامعه تثبیت و تأیید جمعی بر آن‌ها حک شود. این روند گذار از یک مسئله به قانونی مصوب^۵ و سپس تبدیل شدن آن به رفتار و عادت عمومی در جامعه سخت‌ترین کاری است که باید با یک اراده جمعی و اقتدار حاکمیتی به اجرا درآمده و محقق شود.

شکل‌گیری این‌گونه قوانین و مقررات اگر شیوه فکری^۶ شود و به زنجیر قیود مستحکم

1. Invisible hand
2. Habit persistence
3. Institutionalized arrangement
4. agents
5. Dejure
6. Way of thought

عرف و رسوم‌ها پیوند بخورد، قابلیت اجرایی پیدا خواهد کرد. لذا تصویب قوانین و مقررات از هر منشأ و مبدأیی در ابتدا نیازمند زمینه‌سازی فرهنگی و به‌کارگیری مکانیزم‌های ترویجی خاص است. همان‌طور که هاجسون^۱ معتقد است؛ افراد و نهادها متقابلاً تقویت‌کننده و تأثیرگذار بر یکدیگرند؛ نهادها افراد را قالب می‌زنند و از طریق کنش فی مابین افراد قالب می‌پذیرند^۲ (هاجسون، ۱۹۹۸: ۱۸۱). این قاعده دو وجه و خصیصه متضاد ذهن انسانی یعنی قابلیت انعطاف^۳ و به‌طور هم‌زمان قابلیت سرسختی، تعصب و مسخ شدن^۴ را در پی دارد که می‌تواند هم خطر و تهدیدی برای جامعه بشری باشد و هم امیدی برای تغییرات بنیانی در نوع نگرش و تعالی خرد جمعی.

وبلن^۵ با بیانی دیگر می‌گوید: «تمامی واقعیت‌های قابل مشاهده ضرورتاً با عینک عادت‌های فکری مشاهده‌کننده دیده می‌شوند»^۶ (وبلن، ۱۹۱۴: ۵۳). در حقیقت ذهن انسجام‌یافته و عادات فکری افراد است که واقعیات را ساخته و تفسیر می‌کند. بنابراین عادت‌ها و باورها نقشی بسیار تعیین‌کننده‌ای در شناخت ایفا می‌کنند. ما برای آنکه بتوانیم به بیننده، مصرف‌کننده و تصمیم‌گیرنده چیزی را القا کنیم که مطلوب اهداف بازاریابی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد، تنها کافی است که مفهوم عمیق عادت‌های ذهنی و مکانیزم‌های پیچیده متقاعدکردن^۷ جامعه را خوب بشناسیم. بنابراین نوآفرین^۸ کسی است که از چارچوب باورها و عقاید سنتی که با آن متولد شده است فراتر رفته و با زیر سؤال بردن برخی از مفاهیم، اندیشه‌ها، قراردادهای اجتماعی، اصول متعارف، قواعد، روتین‌ها و هنجارها؛ بدیل‌هایی بیافریند که راهنمای حرکت و پیش‌برنده جامعه باشد. این فرد می‌تواند یک کارآفرین اجتماعی، یک فیلسوف نوآفرین و یا یک اقتصاددان پیشگام باشد. مهم این است که این اندیشه رایج شود که هیچ چارچوب نظری و مفهومی و هیچ اندیشه‌ای بر ساخته ذهن انسان نمی‌تواند و نباید به‌عنوان پایان راه و به‌عنوان تنها شیوه اندیشیدن و فکر کردن شناخته شود، بلکه همیشه راه‌ها و بدیل‌های دیگری وجود دارد که ناول^۹ و بدون

1. Hodgson

2. Institutions mold and one molded by human action.

3. flexibility

4. molding

5. Veblen

6. All facts of observation are necessarily seen in the light of observer habits of thought

7. persuasion

8. entrepreneur

9. novel

سابقه در دنیای علم و عمل می‌تواند ظهور یابد. اگر به یک دانش‌آموز، یک دانشجو و یا یک محقق این باور داده شود که آنچه می‌آموزد فقط یک نگرش و یک دیدگاه و تصور محدود بشری است و نه همه واقعیت و حقیقت^۱ و این قاعده، شیوه فکری او شود آن جامعه یقیناً پویا خواهد شد. اما واقعیت آن است که ما با تولید در یک بستر نهادی در آن قالب خورده و مسخ می‌شویم و توان اندیشیدن و جرئت تغییر را به ذهن نمی‌دهیم. ما هرگز آن‌گونه آموزش نیافته‌ایم که به‌گونه دیگری فکر کرده و عمل کنیم. به راستی الزامات برای پرورش ذهنی با چارچوب غایت‌ناپذیر، باز و تکاملی چیست و چگونه یک فرایند یادگیری تکاملی در بسط، گسترش و پالایش جریان غالب می‌تواند شکل گیرد؟

اگر بپذیریم که تصمیم‌گیری بر اساس عقلانیت، امری نسبی^۲ است و به اقتضای زمان و زمینه نیازمند تغییر است؛ آیا شیوه فکری یادگیری مستمر نمی‌تواند به‌عنوان یک عادت و یک انگیزه درونی و خودانگیخته راه‌حل بسیاری از مسایل و چاره عدم مسخ شدن در یک اندیشه و فکر شود؟

اقتصاد نهادی در تظور و تکامل علم اقتصاد گام‌های مهمی را برداشته است. بر خلاف اقتصاد مرسوم که اصول اخلاقی، رفاه عمومی و یا منافع ملی را به‌عنوان ضمام و الحاقیه^۳ نظریه‌ها و نه اساس و پایه در نظر می‌گیرد، اقتصاد نهادی با معرفی مفهوم توجیه‌پذیری و مقبولیت^۴ در نظریه‌ها، آن‌ها را به‌عنوان مباحث مهم واقعیات زندگی اقتصادی در هسته اصلی نظریه‌ها جای می‌دهد. مبادلات به‌عنوان واحد تحلیل در اقتصاد نهادی علاوه بر دو طرف خریدار و فروشنده طرف دیگری که حاکمیت^۵ است را در تمامی فرایند مبادله می‌بیند. به‌عبارت دیگر نهاد بازار تنها با شعار «رها کردن بازار به حال خود»^۶ نمی‌تواند به‌طور هم‌زمان اخلاق اقتصادی و مبادلاتی، وضعیت رفاهی و مهم‌تر از همه منافع عمومی ملی را در هر مبادله و در تمام فرایند چانه‌زنی، تصمیم‌گیری، انجام کنش و مبادله و اتمام قرارداد مدنظر قرار داده و اعمال نماید. لذا آنهایی که به‌نام نهادگرایی تنها بر دخالت دولت تأکید دارند و نادانسته بازار را رها از ارزش‌ها، اصول اخلاقی، منافع ملی و دولت می‌بینند؛ نه تنها

1. The truth
2. relative
3. postscript
4. reasonableness
5. sovereign
6. let it alone

تفسیر صحیحی از دولت ندارند بلکه درک مفهومی درستی از بازار نیز برای آن‌ها حاصل نشده است.

مقبولیت^۱ در اقتصاد نهادی به معنای برهان و منطق^۲ نیست. در یک مفهوم آرمانی مقبولیت حاکی از شرایطی است که افراد با قدرت برابر به توافقی دست می‌یابند که نه تنها درد و لذت^۳ افراد مشارکت‌کننده در تعامل را در بر دارد، بلکه لذت و شادمانی دیگران را نیز در بر می‌گیرد. تعبیر این واژه در خصوص قیمت‌ها این‌گونه است که قیمت بازار^۴ لزوماً قیمت عادلانه^۵ نیست و آنچه مهم است رعایت تمامی نکات از جمله رفاه جمعی و منافع ملی در شرایط آزادی و برابری در مقابل قانون است که باید در قیمت و ارزش‌گذاری معقول^۶ وجود داشته باشد. در نگاه نهادگرایی دو طرف خریدار و فروشنده تمایل به مبادله‌ای دارند که آزاد از تمامی نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها^۷ است. ملاحظه می‌کنید که اصول اخلاقی مورد نظر در تمامی بنیان‌های نظری ورود پیدا می‌کند و در قوانین تجلی می‌یابد؛ عواملی که همواره در تئوری‌های مرسوم مورد غفلت قرار گرفته است.

در جهان بینی مکتب مرسوم تنها رابطه انسان با طبیعت^۸ به عنوان انگاره اصلی مورد نظر است، ولی مکتب نهادی رابطه انسان با انسان^۹ را به عنوان انگاره‌ای جدید به انگاره پیشین اضافه می‌کند تا ابعاد مهم دیگر واقعیات اقتصادی را بتواند تبیین کند. به عبارت دیگر از «ارزش ملموس^{۱۰}» فراتر می‌رود و «ارزش‌های ناملموس^{۱۱}» را به مفاهیم ارزش‌آفرین در اقتصاد می‌افزاید. ارزشی که شاکله نهادی^{۱۲} داشته و ارتباطی با رضایتمندی خواسته‌ها و آنچه در کالاهای فیزیکی و ملموس رایج بود، ندارد. این مفهوم در خلق ارزش‌های ناملموس نظیر «دارایی‌های ناملموس^{۱۳}» خلاصه می‌شود و تمامی امتیازها مانند سرقتی، حق ثبت، شهرت، برند و حق اختراع را در بر می‌گیرد. ارزشی که به طور خالص و به پشتوانه وجود

-
1. reasonableness
 2. reason
 3. Pain and pleasure
 4. Market price
 5. Just price
 6. Reasonable value
 7. Inequality and injustice
 8. Man's relation to nature
 9. Man's relation to man
 10. tangible value
 11. Intangible value
 12. Institutional value
 13. Intangible property

حاکمیت در جوامعی با اقتدار و با حاکمیت قانون^۱ خلق گردید و با ضمانت محاکم حقوقی قدرت اجرایی یافت. نکته مهم دیگر در مضمون ارزش معقول، مسئله رقابت است. اقتصاد مرسوم بر «رقابت آزاد»^۲ تأکید دارد؛ درحالی‌که کامونز مشخصاً به «رقابت منصفانه»^۳ اشاره دارد. کنار گذاشته شدن چنین فاکتورهایی توسط اقتصاددانان لذت‌گرا^۴ یا مادی‌گرا اعم از کلاسیک، نئوکلاسیک و مکتب اتریش؛ به معنای نادیده انگاشتن این حقوق ارزش‌آفرین در مباحث و تحلیل‌های اقتصادی به‌عنوان بخش مهمی از اقتصاد مدرن است. تمامی بنیان‌گذاران مکاتب با توجه به نگرش فلسفی خود اصول و بنیان‌های مستحکمی را به‌عنوان پایه‌ها و انگاره‌های اصلی مکتب مورد تأکید قرار می‌دهند، اما به مرور زمان به جای مستحکم ساختن این ستون‌ها و پایه‌ها؛ از اصول آرمانی و بنیان‌های اعتقادی ابتدایی فاصله می‌گیرند. به مصداق گفته فوق می‌توان با مقایسه‌ای ساده بین بنیان‌گذاران مکتب اتریش (منگر، بوم باورک، میسز و شومپیتر) و اتریش‌های جدید (کرزنر، بامول و غیره) پی برد. آنجایی که تنزل مباحث از ذهنیت‌گرایی و خلق ذهنی به مفاهیم پیش‌پا افتاده و بی‌روحی از کارآفرینی نظیر کشف فرصت‌ها و یا پر کردن شکاف‌ها در بازار به‌عنوان وظیفه یک کارآفرین در دیدگاه کرزنر می‌رسد، که نیازمند طرح شدن در بحث جداگانه‌ای است.

در خصوص تأکید بر رقابت منصفانه در مکتب نهادی و عدم پذیرش رقابت آزاد که مستلزم نادیده گرفتن اصول اخلاقی و انسانی است، داگلاس نورث^۵ در اظهارنظر خود این‌گونه می‌گوید: «ما فرض کمیابی نئوکلاسیک را می‌پذیریم و رقابت را قبول داریم اما آنچه نیازمند تغییر است فرض عقلانیت کامل است و مهم‌تر از آن برجسته کردن اهمیت نهادها در تحلیل‌های اقتصادی است» (نورث، ۱۹۹۴: ۳۵۹).

در تعبیر کامونز، تصمیم‌دادگاه‌ها و محاکم قانونی همان معنای «ارزش معنوی» را در خود دارد. سؤالی که مطرح می‌شود آنست که چرا کامونز تا این حد به تصمیم‌های محافل حقوقی و دادگاه‌ها اعتماد دارد!

اگر به فرایند این تصمیم‌گیری دقت شود قابل درک است که این فرایند لزوماً بر پایه یک

1. Rule of law
2. Free competition
3. Fair competition
4. hedonist
5. Douglass North

مسئله^۱ و به‌منظور رفع تضاد بین خواهان و خواننده در شرایط برابر شکل می‌گیرد. در حل هر مسئله‌ای مورد به مورد ابعاد رفاهی و منافع ملی آن در نظر گرفته می‌شود و تصمیم در یک فرایند به حق دادرسی^۲ و در چارچوب قانون اساسی گرفته می‌شود. تصمیم‌های اتخاذ شده توسط دادگاه که کامونز آن را معقول و مقبول می‌خواند؛ احکامی نیستند که به دلخواه یک قاضی و گروهی از آنان صادر شده باشد^۳؛ بلکه ساختار قانون اساسی نظام قضائی آمریکا تصمیم‌گیرنده اصلی است. در آمریکا حاکمیت^۴ به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول دربرگیرنده تقسیمات قانون‌گذاری، اجرایی و قضائی^۵ است و بخش دوم بخش‌های فدرال و ایالت‌ها را شامل می‌شود. از دهه ۱۸۹۰، درحالی‌که ایالت‌ها در بسیاری از موضوعات حاکمیت مستقل دارند و به‌نوعی استقلال در سه قوه قضائیه، اجرایی و مقننه از آن‌هاست، اما در خصوص ارزش‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی^۶ فقط دادگاه‌ها هستند که بر قوه‌های مقننه و اجرایی ایالات و دولت فدرال حاکمیت دارند.

کامونز در تعریف خود از نهاد، آن را کنش جمعی^۷ در راستای کنترل، آزادی و بسط کنش فردی می‌نامد. کنش‌های جمعی یا فاقد سازمان‌دهی^۸ اند که همان عرف^۹ است و یا کنش‌های جمعی سازمان‌یافته‌اند نظیر شرکت‌ها^{۱۰}، تعاونی‌ها^{۱۱}، اتحادیه‌های تجاری و یا خود خود ایالات که از طریق سه قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه وظایف نهادی خود را اعمال می‌کنند. به این نهادها و تشکّل‌ها، متناسب با ماهیت شغلی‌شان هر سه نقش از طریق حاکمیت تفویض^{۱۲} شده است.

تصویب قوانین عمومی شرکت‌ها و به رسمیت شناخته شدن حقوق آن‌ها که به دهه ۱۸۵۰ برمی‌گردد را می‌توان شروع کاپیتالیسم مدرن در آمریکا تصور کرد. این قوانین به افراد حقوق جهان‌شمول جدید و حق کنش جمعی و همچنین هویت اختصاصی برای توسعه و

-
1. Problem
 2. Due process of law
 3. It is the constitutional structure the American judicial system that decides
 4. sovereignty
 5. Legislator and execute and judicial
 6. Economic valuation and activities
 7. Collective action
 8. unorganized
 9. custom
 10. corporation
 11. Co-operation
 12. delegate

مسئولیت چه در داخل و چه در سطح جهانی اعطا نمود و بدین ترتیب تمامی فعالیت‌های اقتصادی به سمت و سوی شرکت‌ها سوق پیدا کرد. به عبارتی دیگر حقوق بشر^۱ که هویت‌دهنده به فرد است در نظام سرمایه‌داری مدرن به حقوق تشکّل‌ها^۲ و حقوق شرکت‌ها^۳ برگردان شد. تصویب این قانون به‌تنهایی می‌تواند تأییدی بر اصل کنش جمعی و یا حاکمیت جمع‌گرایی به جای فردگرایی به‌عنوان اصل و انگاره‌ای مبنایی در مکتب نهادی مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب علم اقتصاد فردی، در زیرمجموعه^۴ علم اقتصاد کنش جمعی و اقتصاد نهادی قرار گرفت (کامونز، ۱۹۵۰: ۱۱) و با شکل‌گیری زمینه‌های قانونی علاوه بر هویت یافتن شرکت‌ها^۵ همانند هویت یافتن اشخاص، به آن‌ها حقوق حاکمیتی، آزادی‌های مرتبط با کنش جمعی، مسئولیت محدود^۶ و به اصطلاح نامیرایی و ابدیت^۷ اعطا گردید. حقوق اعطایی به شرکت‌ها موجب ترغیب بسیاری از افراد به حضور در چارچوب شرکت‌ها به دلایلی به غیر از علل فناوری شد.

ویلیامسون در مقاله جایزه نوبل خود تحت عنوان «اقتصاد هزینه مبادله: پیشرفت طبیعی»^۸ برای توجیه کاهش هزینه‌های مبادلاتی مثال ادغام عمودی^۹ شرکت‌ها را به‌عنوان مسئله‌ای پارادایمی^{۱۰} اختصاصاً به دلیل مسئله فناوری مطرح می‌کند، درحالی‌که اگر به حقوق اختصاصی و رای حقوق فردی و فعالیت‌های اقتصادی فردی که به شرکت‌ها اعطا شده، توجه می‌کرد، شمول و گسترش مفهوم هزینه مبادله^{۱۱} را می‌توانست بسیار عمیق‌تر مطرح کند. این شاهد نمونه دیگری از بسط اندیشه‌های پیشگامان اقتصادی به صورت تجریدی و محدود به عوامل معین است که گویا روح اصلی اندیشه و ایده کامونز را تنزل می‌دهد. در نگاه کامونز تفاوت جالبی میان نهاد و مؤسسه یا سازمان وجود دارد. نهاد همان‌طور که پیشتر عنوان گردید؛ کنش جمعی است که کنترل، هدایت، آزادی و بسط کنش فردی را

-
1. Right of man
 2. Right of association
 3. Right of corporation
 4. subordinated
 5. Personifying corporations
 6. Limited liability
 7. immortality
 8. Williamson, O. E. (2010). Transaction cost economics: The natural progression. American Economic Review, 100(3), 673-90
 9. Vertical integration
 10. Paradigm problem
 11. Transaction cost

تعیین می‌بخشد؛ درحالی‌که مؤسسه یا سازمان محصول آن کنترل، هدایت، آزادی و بسط کنش فردی است. به عبارتی دیگر "هر تشکّل و سازمان، محصول نهاد‌های موجد خویش است".^۱ مفهومی که در کتاب پنجم ثروت ملل مورد نظر آدام اسمیت قرار گرفت و یا امروزه در بسیاری از کتاب‌های مدیریتی به آن اشاره شده است.

به مؤسسه‌ها و سازمان‌ها که به عنوان محصول کنش جمعی تلقی می‌شوند، حقوق، وظایف، آزادی‌ها و جلوه‌هایی از رعایت حقوق دیگران و یا لیست بلندبالایی از اعتبارات، بدهی‌ها، مالکیت‌ها و امتیازهای انحصاری از طریق کنش جمعی اعطا می‌شود. این تمایز بین نهاد و سازمان توسط داگلاس نورث مورد استفاده قرار گرفت به گونه‌ای که او در تعریف خود از نهاد آن را قواعد بازی^۲ می‌داند و سازمان‌ها را بازیگر قواعد بازی معرفی می‌کند، این نگاه امروزه در بسیاری از کتب مرجع قرار گرفته است.

از دیدگاه کامونز فرد مورد نظر نظریه‌های اقتصادی، یک فرد بیولوژیک و یاروان‌شناسی نیست بلکه او توسط نهادها و کنش جمعی به عنوان شهروند و یا فرد حقوقی^۳ در نظر گرفته می‌شود که توسط حاکمیت حقوق و آزادی به او اعطا شده است تا بتواند به عنوان یک خریدار و یا فروشنده متمایل به انجام مبادله باشد. به عبارت دیگر اصل وجود بازار و مبادلات بین افراد و تنظیم قرارداد و انجام عمل همه و همه وابسته به حقوقی است که حاکمیت به افراد اعطا و آن را تضمین کرده است. لذا هیچ جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که بازار و حاکمیت یک مجموعه^۴ است و تفکیک آن‌ها عدم فهم از موضوع قواعد بازی و اجرای قواعد آن است.

بنابراین بازار در مفهوم انجام مبادلات همواره وجود داشته و تأمین و تضمین مبادلات به صورت عرف، رسوم‌ها و سنت‌ها تحت لوای حاکمیت‌ها در جریان بوده است. اما سرمایه‌داری مدرن که ریشه‌های آن در اندیشه تجربه‌گرایان اسکاتلندی به ویژه آدام اسمیت نهفته است، به ایدئولوژی لسه‌فرآلوده شد. بر این اساس فرد نه تنها محور و کانون فعالیت‌های اقتصادی نبوده است، بلکه اکثریت افراد جامعه در سلطه مطلق قدرت سرمایه‌داری قرار گرفتند و به تعبیر تئوری‌های کلاسیک و لذت‌گرا "فرد عامل تولید و

1. Institute is the product of institution

2. Rules of the game

3. Legal person

4. a set

مصرف، مانند گاو یا برده است.^۱

در ایالات متحده آمریکا، اقتدار حاکمیتی قوه قضائیه بر امور اقتصادی از بخش مربوط به فرایند به حق دادرسی در قانون اساسی فدرال أخذ شده است و بر اساس این قانون هیچ فردی^۲ نباید از حق زندگی، آزادی و مالکیت به وسیله قوه اجرایی و یا قوه مقننه و یا یک دادگاه و محکمه قانونی، محروم شود. فرایند دادرسی قانونی در معنای پیشین خود همان شیوه‌های معمول روتین شده متکی بر قانون عرفی^۳ است، درحالی‌که در معنای جدید آن قوانین معقول^۴ و رویه‌های معقولی است که توسط دادگاه عالی نهایی و برای اجرایی شدن ابلاغ می‌گردد. به واسطه همین دومین معنا از فرایند قانونی است که ارزش معقول در اقتصاد آمریکا جایگاه خود را یافت. ارزش معقولی که می‌توان در یک نگاه آن را اقتصاد رفاه^۵ نامید. اقتصاد آمریکا و الحاقاتی که بعد از سال ۱۷۸۷ به آن اضافه شد، بر پایه قانون اساسی نوشته شده به صورت صریح و بخش نانوخته‌ای است که به صورت تدریجی^۶ توسط دادگاه عالی آمریکا از تضادهای منافع ملی شاکی‌ها و موافقان به صورت حکم دادگاه‌های عالی استنتاج و اعلام شد. بنابراین درحالی‌که اقتصاددانان اولیه از توماس آکوئیناس^۷ گرفته تا جان لاک، آدام اسمیت، ریکاردو و غیره هزینه نیروی کار را معیار سنجش ارزش می‌دانستند، اقتصاددانان نهادی، قانون عرفی، پول قانونی در جریان و آزادی و تمایل ارادی خریدار و فروشنده را معیار و سنجش ارزش معقول توسط دادگاه عالی آمریکا می‌دانند.

1. He is a factor of p production and consumption like a cow or slave.
2. No person
3. Common law
4. Reasonable law
5. Welfare economics
6. incremental
7. Thomas Aquinas

بخش دوم:

کامونز و زندگی علمی و مبارزاتی اش

جان روگرز کامونز به تاریخ سیزدهم اکتبر ۱۸۶۲ در اوهایو چشم به جهان گشود و در یازدهم می ۱۹۴۵ در شمال کالیفرنیا چشم از جهان فرو بست. او بنیان‌گذار تاریخ اندیشه‌های کارگری در آمریکا، مشاور دادگاه عالی این کشور، مدرس دانشگاه ویسکانسین^۱ و پیشگام در شکل‌گیری بسیاری از نهضت‌های کارگری و کنوانسیون‌های صنفی بود. او به خوبی قدرت مسلط و نابرابر کارفرمایان بر کارگران (سلطه سرمایه بر نیروی کار) و همچنین اراده مافوق دولت در اداره امور را درک کرد و تمام عمر خود را صرف زمینه‌سازی‌های علمی و نظری و همچنین خلق تشکلهای کارگری به منظور فراهم آوردن استاندارد بالای زندگی و ایجاد هویت در جامعه نمود. او معتقد بود که کارگران به عنوان انسان‌های آزاد و خودمختار بایستی اهداف و ارزش‌هایشان را در جامعه و در سطحی برابر با سایر تشکلهای کارفرمایی و احزاب سیاسی تعیین بخشند و در این راه جهت‌آشنایی با حقوق فردی خود، مستحق کمک و راهبری خبرگان و روشنفکران^۲ آند. او از شواهد تاریخی بسیاری در کتاب "بنیان‌های حقوقی

۱. دانشگاه ویسکانسین-مدیسن یا دانشگاه ویسکانسین (به انگلیسی: University of Wisconsin-Madison) یکی از معتبرترین و بزرگ‌ترین دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا بوده و در شهر مدیسن در ایالت ویسکانسین واقع است. دانشگاه ویسکانسین هم‌زمان با استقلال ایالت ویسکانسین در سال ۱۸۴۸ تأسیس شده است و بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین دانشگاه در این ایالت می‌باشد.

2. Experts and intellectuals

سرمایه‌داری^۱ استفاده نمود تا بتواند مصداق‌هایی از تلاش‌ها و مبارزات مردمی در رسیدن به صیانت، هویت، آزادی و برابری در مقابل قدرت‌های دیکتاتوری و شاهان به نمایش بگذارد. او در اولین فرایند تاریخی مهم، به فهم و تشریح جایگاه تجار و بازرگانان در خلق ثروت‌های ملی در انگلستان^۲ و به رسمیت شناختن آن‌ها به عنوان یک طبقه اجتماعی دارای حقوق مستقل پرداخت و تلاش نمود تا این عرف و رویه مرسوم یعنی ایجاد طبقه اجتماعی را برای کارگران به عنوان یک حق انسانی خلق و احیا نماید. طبقه‌ای که نیازمند دیده شدن است و باید بتواند در یک جامعه مردم‌سالار و آزاد به جایگاهی برجسته دست یابد و اندیشه‌های خود را در سیاست‌ها و راهبردهای استراتژیک اعمال نماید. وی شاهد تحقق این آرمان انسانی در واپسین سال‌های عمرش بود. آن زمان که تغییرهای اساسی در رویه‌های قضائی و قواعد کاری حاکم بر محیط‌های کاری کارگران به وقوع پیوست و تصمیم‌گیری‌های قضات در ارتباط با مواردی همچون دستمزد منصفانه، ساعات کار معقول، حق داشتن اتحادیه، شرایط کاری مناسب و انواع بیمه‌ها به صورت یک عرف نمود یافت. همه این نتایج، تنها ثروت و بهره‌ای بود که از زندگی در این دنیا نصیب او شد.

کامونز با ۵۰ سال کار اجرایی و مبارزات صلح‌طلبانه و مطالعه آثار و اندیشه‌های ۱۸۰ سال پیش از خود در حوزه‌هایی نظیر بنیان‌های فلسفی و متدولوژیک مکاتب اقتصادی، به خوبی با آنچه ماهیت روان‌شناسی افراد و کنشگران در تعاملات و مبادلات اقتصادی است و نیز نهاد بازار و سلطه نظام سرمایه‌داری آشنایی کامل یافت.

مبارزه طبقاتی^۳ کامونز تنها منوط به از بین بردن و امحاء تشکّل‌های سیاسی که مدعی نمایندگی صاحبان سرمایه و کارفرمایان بودند و از این طریق ساختار اجتماعی را در کنترل خود داشتند، نبود؛ بلکه تلاش کرد تا به نیروی محرک و پویای کارفرمایان بال دیگری اضافه نماید و ساختاری جدید را شکل دهد. او در مصاحبه‌ها و آثار خود به مخالفان ثابت کرد که این تغییر مورد نظر او یک اندیشه خودخواهانه نیست، بلکه ریشه در دغدغه‌ای عمومی و دردی عمیق دارد و همان چیزی است که در ذهن تمامی محققان و مصلحان اجتماعی وجود دارد. او عمده‌ا کار خود را از ساعت ۴ صبح آغاز می‌کرد و در تمامی طرح‌ها و

1. Commons, J. R. (1924). Legal foundations of capitalism (Vol. 31). Transaction Publishers.

2. Common wealth of England

3. Class struggle

برنامه‌هایی که داشت، شخصاً تمام پیش‌نویس‌ها را از منابع معتبر و اصیل تهیه و به‌منظور جلوگیری از هرگونه اشتباه در ارائه کدهای معتبر آن‌ها را مجدداً بازچک و کنترل می‌نمود. او به‌عنوان یک محقق، یک اقتصاددان و یک سیاستمدار برجسته بر این امر واقف بود که اهداف و آرمان‌های مردم‌سالار در روابط صنعتی از طریق بوروکراسی دولتی حتی اگر به بهترین وجه ممکن برنامه‌ریزی شود و عزم و اراده در اجرای آن وجود داشته باشد؛ کارساز نیست و موفقیت در تحقق این آرمان‌ها و اهداف تنها در گرو کنش جمعی افراد و مشارکت تمامی گروه‌های ذی‌نفع می‌باشد. در این میان نقش دولت تنها نقش واسط و ناظر بر اجرای امور است و نه آنکه خود در موضع و جایگاه برتر قرار گرفته و بخواهد اعمال قدرت و سلطه نماید (۱۹۵۰: ۶). کامونز با سختی و مبارزه طاقت‌فرسا اما خستگی‌ناپذیر برای تحقق نگرش و اندیشه فوق‌قدم به‌قدم در کنار اتحادیه‌های کارگری و با حمایت نظام اجرایی کارا به پیش رفت. در اوایل قرن بیستم، تضاد بین کارفرمایان و کارگران، به‌ویژه مسائل مرتبط با حوادث، صنایع را با آشفتگی و هرج‌ومرج فراوان روبه‌رو کرد. بینش‌های خلاق کامونز از همان ابتدا و در سال ۱۹۰۵ در ویسکانسین، وی را به‌عنوان محقق و مبدع در حل مسائل اجتماعی مطرح کرد. از جمله طرح‌ها و پیشنهادهایی که وی به‌منظور ایجاد مصونیت فناوری و مهندسی با صنعت فولاد آغاز کرد عبارتند از:

- جبران خسارت حوادث، علیرغم قصور از طرف کارگر و یا هر عامل دیگر که به‌عنوان هزینه‌های تولید در نظر گرفته شد؛
- کاهش حوادث در کار با ماشین‌های صنعتی از طریق به‌کارگیری وسایل و ابزارهای مصونیت؛
- تکیه بر خلق «روحیه همکاری»^۱ به‌منظور ایجاد مصونیت در حوادث و بهبود شرایط و فضای کاری و حتی پیشگیری از بیکاری، بنا به قاعده ثبات و تضمین انتظارات.^۲ او با اعتقاد بر اینکه هزینه‌های جبران سوانح و رخدادها بسیار بیشتر از منافی است که به‌دلیل بهبود مصونیت از طریق افزایش تولید صورت می‌گیرد، پیشنهادهایی نظیر رفع تعقیب و پیگرد جزایی و تبدیل آن به موضوعی حقوقی را مطرح ساخت. او در واقع نوعی مصونیت را برای کارفرمایان زمینه‌سازی کرد و از طرفی جبران خسارت را برای کارگران

1. Safety spirit

2. Security of expectation